

مقاله پژوهشی: بررسی بحران تروریسم داعش در عراق براساس الگوی مایکل

برچر

[20.1001.1.33292538.1400.11.41.9.7](https://doi.org/10.1001.1.33292538.1400.11.41.9.7)

مصطفی الماسی^۱، دکتر سید مصطفی ابطحی^۲، دکتر علیرضا ازغندی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۰۹

چکیده

این پژوهش درصدد واکاوی بحران تروریسم داعش در عراق براساس الگوی مدیریت بحران مایکل برچر است. بر این اساس، این پژوهش معتقد است ظهور بحران تروریسم و داعش در عراق شامل چهار مرحله ایجاد، تداوم و تشدید، کاهش و پایان و پیامد است. با توجه به فرضیه اشاره شده چارچوب نظری مدیریت بحران مایکل برچر برای این پژوهش انتخاب شده است. سؤال اصلی در این پژوهش این است که چه علل و عواملی در این مراحل چهارگانه نقش مؤثری ایفا کرده‌اند و مدیریت بحران در عراق در مواجهه با داعش به چه شیوه‌ای بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد عوامل سیاسی-اجتماعی در مرحله ایجاد بحران، عامل اقتصادی، تصرف سرزمینی، توانایی عضوگیری در مرحله تشدید و تداوم، عملیات‌های نظامی و قطع شریان‌های اقتصادی در مرحله کاهش بحران اثرگذار بوده‌اند. این پژوهش از نوع توصیفی و تحلیلی بوده و روش گردآوری داده‌ها اسنادی و کتابخانه‌ای با استفاده از منابع معتبر و در دسترس فیزیکی و الکترونیکی بوده و ابزار گردآوری داده‌ها نیز برگه‌نویسی از روی منابع مورد استفاده است.

کلیدواژه‌ها: تروریسم، داعش، عراق، مدیریت بحران، مایکل برچر

۱. دانش‌آموخته‌ی دکترای علوم سیاسی (گرایش جامعه‌شناسی سیاسی)، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
almassi.mostafa2018@gmail.com
۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
m.abtahi@gmail.com
۳. استادگروه گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
alirezaazghandi@yahoo.com

مقدمه

بحران^۱ تروریسم^۲ در عراق و سوریه یکی از مهم‌ترین مسائل و چالش‌های پیش روی خاورمیانه و جهان در سال‌های اخیر بوده است. خشونت‌های افسارگسیخته بر ضد شهروندان غیرنظامی و همچنین نظامیان چهره‌ای زشت و فجیع از این پدیده را به معرض دید جهانیان گذاشت. این بحران‌های انسانی موجب شده است که دغدغه جدی برای حل مسئله و معضل تروریسم به وجود آید. علاوه بر این، این بحران به واسطه اثرگذاری‌های منطقه‌ای و جهانی مورد توجه بسیاری از محققان و پژوهشگران قرار گرفته است. آن‌ها کوشیده‌اند تا با توجه به توانایی و بضاعت موجود به بررسی این پدیده در خاورمیانه بپردازند. هر پژوهشگر و محقق از منظری خاص به این پدیده نگریسته و آن را مورد بررسی قرار داده است. در حالی که تعدادی از آنان به مبانی تئوریک و نظری گروه‌های تروریستی پرداخته‌اند برخی دیگر به بررسی این پدیده در بستر محیط مساعد رشد و گسترش آن پرداخته‌اند. در رویکرد دوم شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تحولات مرتبط با سیاست‌گذاری و قدرت سیاسی مورد توجه قرار گرفته است.

بحث اصلی پیرامون این حوزه پژوهشی این است که ضمن تبیین پدیده تروریسم و ریشه‌ها و دلایل آن، چگونه می‌توان زمینه‌های ظهور و بروز تروریسم یا شدت آن را تا حد امکان کاهش داد. از این رو تروریسم با ابعاد و ویژگی‌های خاص خود برای پژوهشگران دانشگاهی دارای جذابیت خاصی است. علاوه بر این مسئله، مسئله ایجاد صلح و توسعه ارتباط مستقیمی با برقراری امنیت دارد که تروریسم محل برقراری امنیت برای کشورها و ملت‌ها است.

برخی از پژوهشگران معتقدند تروریست‌ها افرادی سرخورده و ناکام از نظر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیستند؛ بلکه آن‌ها افرادی وابسته به یک نوع ایدئولوژی و دارای هدفی خاص هستند که آن‌ها را در قالب یک دسته یا گروه قرار می‌دهد. این

1. Crisis.
2. Terrorism.

مبانی تئوریک و ایدئولوژیک موجب هویت‌یابی خاص تروریست‌ها شده که آن‌ها را از افراد دیگر جدا می‌کند (رهامی و علی‌نژاد، ۱۳۹۰). هرچند این دسته از پژوهش‌ها به یکی از مهم‌ترین دلایل وقوع تروریسم اشاره می‌کنند؛ اما تقلیل مسئله تروریسم به اصول نظری آن موجب غفلت از زمینه‌های مساعد سیاسی-اجتماعی آن می‌شود. همچنین در این پژوهش‌ها به نحوه مدیریت بحران اشاره‌ای نشده است. این پژوهش‌ها، با در نظر گرفتن عامل ایدئولوژی قادر به تبیین و پاسخگویی به این سؤال نیستند که چرا در اروپا و کشورهایی که تروریست‌های چندملیتی از آنجا به عراق آمده‌اند تروریسم به این صورت متجلی نشده است. همچنین، این مسئله که چه عوامل و متغیرهایی در ظهور تروریسم دخیل هستند و چگونه موجب تشدید و تداوم تروریسم می‌شوند در این پژوهش‌ها مغفول مانده است. این پژوهش در نظر دارد تا تروریسم در عراق و الگوی مدیریت آن را براساس الگوی چهارگانه مایکل برچر توضیح دهد. این هدف موجب تمایز این پژوهش از سایر موارد می‌شود.

چارچوب نظری پژوهش

چند دهه اخیر شاهد تحقیقات گسترده و متمرکز پیرامون مفهوم، دلایل، زمینه‌ها و عوامل ایجادکننده، استمراربخش، تشدیدکننده و کاهش بحران‌های سیاسی بوده‌ایم. بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران در تلاش برای بازنمایی و توضیح مفهوم بحران تلاش کرده‌اند و برخی نیز پا را از این فراتر گذاشته و تلاش کرده‌اند ضمن توصیف بحران‌ها و عوامل متعدد دخیل در آن‌ها دست به ارائه یک مدل مناسب جهت مدیریت بحران‌ها بزنند. این پژوهشگران همچنین تلاش کرده‌اند در صورت امکان، شواهد و نمونه‌های تجربی موفقیت‌آمیزی از مدیریت بحران ارائه نمایند. یکی از این نظریه‌پردازان مایکل برچر است که به بررسی بحران‌ها در محیط بین‌المللی و در عرصه سیاست خارجی پرداخته است. وی بحران‌های سیاسی یا زلزله‌های سیاسی را شامل مراحل متعددی از جمله ایجاد، تشدید، شیوع، استمرار، سکون و پیامد می‌داند (Brecher, 2018: 23).

از دید برچر بحران‌ها به صورت مفهومی و تئوریک پیوند نزدیکی با جنگ دارند هرچند این بحران‌ها در شرایط جنگی و غیرجنگی متفاوت هستند. بسیاری از بحران‌ها در شرایط غیرجنگی حادث شده‌اند و به وضعیت جنگی تشدید نشده‌اند که بحران موشکی کوبا در سال ۱۹۶۲ میلادی و همچنین بحران دیوار برلین در سال‌های ۱۹۴۹-۱۹۴۸ میلادی از این دسته هستند. برخی دیگر از بحران‌ها در یک وضعیت غیرجنگی حادث شده و به وضعیت جنگی تشدید شده‌اند؛ مانند جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹ میلادی. بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی و همچنین شکست آلمان‌ها در نبرد استالینگراد در سال ۱۹۴۳-۱۹۴۲ میلادی از جمله بحران‌هایی هستند که در خلال یک جنگ به وقوع پیوسته‌اند و اثرات تعیین‌کننده‌ای بر تصمیمات رهبران این دو کشور در خلال جنگ داشته‌اند (Ibid: 26).

برچر معتقد است همه بحران‌ها چه در سطح داخلی و چه بین‌المللی مؤید شرایط زمینه‌های وقوع آن‌ها هستند. این شرایط می‌تواند شدت بیشتر یا تغییر اساسی در روابط گسیخته میان - دولتی یا یک ادراک افزایش یا شیوع تنش نظامی باشد که روابط بین رقبای مخالفان را تضعیف کرده و یک وضعیت چالشی را بر آن‌ها تحمیل می‌کند. در مجموع بحران‌ها می‌توانند آغاز شوند، تداوم یافته و با خشونت یا بدون خشونت پایان یابند. احساس تهدید ارزش‌ها و فشار نیازی به وقوع و تشدید به وضعیت جنگی ندارند و به جنگ نیز منجر نمی‌شوند و همچنین با جنگ نیز ناپدید نخواهند شد.

مایکل برچر برای هر بحران چهار مرحله را تعیین می‌کند؛

پیدایش: برچر در زمینه ایجاد و پیدایش بحران معتقد است شرایط ایجادکننده بحران به دو صورت تعریف می‌شوند که عبارت‌اند از؛ نخست، یک تغییر در نوع یا افزایش گسست در تعاملات میان دو یا چند دولت و همچنین احتمالاً تنش نظامی بین آن‌ها، دوم، بی‌ثبات شدن روابط میان دولت‌ها و به چالش کشیده ساختاری نظام بین‌الملل. یک بحران بین‌المللی با یک بحران در زمینه سیاست خارجی بین دو یا چند دولت آغاز می‌شود. سه درک مرتبط با هم در مورد آغاز بحران وجود دارند که عبارت‌اند از؛ تهدید یک یا چند ارزش اساسی؛ پایان مهلت پاسخگویی یا واکنش؛ افزایش احتمال مداخله در تنش‌های

نظامی پیش از آنکه چالش مسلط شود. مرحله سوم فوق‌العاده حساس و حیاتی است. افزایش بیش از حد ادراک تهدید مانند جنگ لزوماً منجر به افزایش درک تهدید نسبت به ارزش‌ها می‌شود، اما این تهدید می‌تواند بدون انتظار خشونت وجود داشته باشد (Brecher, 2014: 127). وی در مرحله شروع و حدوث یک بحران به عوامل و متغیرهای دخیل در ایجاد این گسست و همچنین ایجاد تنش توجه می‌کند.

گسترش، شیوع و تشدید: در این مرحله بحران شیوع یافته و به نقطه اوج خود می‌رسد. شاخص‌های خشونت روند صعودی از پایین به بالا را نشان می‌دهد و فشار روانی به حداعلای خود رسیده است. احتمال وقوع جنگ در این مرحله و در صورت عدم مدیریت بحران به نحو مناسب بسیار بالا است. سیر حوادث به‌گونه‌ای است که از برخوردهای کم‌اهمیت به سوی احتمال وقوع جنگ پیش می‌رود. مرحله گسترش بحران با شکنندگی خیلی شدیدتر و نیز نوعی افزایش کیفی در احتمال درگیری‌های نظامی دلالت دارند. مرحله گسترش و دوره بحران تقریباً بالاترین حد وخامت اوضاع و حداکثر فشار روانی را نشان می‌دهند. مرحله گسترش ممکن است با تغییر خشونت‌آمیز همراه باشد. فرایند گسترش بحران اعم از خشونت‌آمیز یا مسالمت‌آمیز، اغلب پیامدهایی را برای طرف‌های درگیر در بحران به دنبال دارد که اجتناب‌ناپذیر است (برچر، ۱۳۸۲: ۶۵-۶۰).

کاهش: مرحله‌ی کاهش یا پایان بحران، زمانی شکل می‌گیرد که تبعات بحران برای متخصصین یا سایر بازیگران مشخص شود. کاهش بحران از نظر دولت‌ها با بروز مؤلفه‌هایی چون از بین رفتن تهدید، فشار زمان و احتمال جنگ عملیاتی درک شده و این باور را برای دو طرف ایجاد می‌کند که توافق برای پایان جنگ، هردوی آن‌ها را در وضعیت بهتری قرار خواهد داد. برای طرفین یک بحران، سود مورد انتظار از ادامه جنگ باید کمتر از فایده مورد توقع از برقراری آتش‌بس و حل و فصل یک بحران باشد. مرحله کاهش به لحاظ مفهومی نقطه مقابل گسترش است؛ از این رو فروکش کردن یک بحران با فرایند ماریپیچ بحران مقایسه می‌شود. در سطوح کلان این مرحله با کاهشی در کنش‌های متقابل خصومت‌آمیز مشخص می‌شود که به سازش و خاتمه بحران می‌انجامد. در سطح دولت،

مسئله کاهش با زوال تهدید درک شده، فشار زمان و احتمال جنگ و حرکت به سوی قاعده غیربحرانی تعریف عملیاتی می‌شود. همچنین این مرحله دلالت بر پایان دوره بحران داشته و با کاهش فشار روانی وارد بر تصمیم‌گیرنده یا تصمیم‌گیرندگان مشخص می‌شود (همان: ۸۹-۵۷).

تأثیر: مربوط به آثار و پیامدهای بعدی بحران است. این مرحله نشان‌دهنده پیامدهای یک بحران است و محتوای مرحله چهارم بحران را نشان می‌دهد. تمام بحران‌ها آثاری در یک یا چند سطح دارند: برای طرف‌های درگیر، برای رابطه آن‌ها و برای یک یا چند نظام بین‌المللی. به عبارت دقیق‌تر، پیامدهای بحران ناظر بر وجوه سلبی و ایجابی بحران برای طرف‌های درگیر در آن است. در این مرحله میراث برجای‌مانده از بحران‌ها توصیف و تبیین می‌شود. تأثیر بحران می‌تواند با شاخص‌هایی نظیر تغییر در توزیع قدرت، بازیگران، قواعد بازی و ائتلاف‌ها سنجیده شود (برچر، ۱۳۸۲: ۶۰-۵۹).

دلایل ایجاد بحران و ظهور داعش در عراق

ظهور تروریسم به صورت کلی و داعش به صورت خاص در عراق محصول یکسری شرایط و تحولات پیچیده و چندبعدی است که از سوی تعداد زیادی از پژوهشگران و محققان مورد بررسی قرار گرفته است. هر پژوهش و تحقیق از یک منظر خاص به این پدیده نگریسته و به دسته‌بندی عوامل و دلایل ایجاد بحران پرداخته است. رویکرد کلی این پژوهش بر این اساس است که برای جامعیت استدلال پژوهش عوامل و متغیرهای اثرگذار در هر مرحله براساس دو سطح تحلیل دسته‌بندی شوند. یک سطح مربوط به کنش و واکنش‌های سیاسی و اجتماعی است که در سطح تحلیل پویایی‌های سیاسی و اجتماعی قرار می‌گیرند و سطح دوم مربوط به حوزه ایدئولوژی و عوامل محرک آن است. در سطح نخست عواملی از قبیل؛ نقش رژیم‌های استبدادی، خلأ قدرت، شکاف فرقه‌ای و سیاسی، آشفتگی سیاسی و سقوط رژیم صدام بدون استقرار دولتی کارآمد مورد بررسی قرار می‌گیرند. در سطح مبانی تئوریک ایده‌ها، انگاره‌های مذهبی و ... مورد بررسی قرار می‌گیرند.

سطح تحلیل پویایی‌های اجتماعی - سیاسی

۱. آشفتگی سیاسی^۱ و خلأ قدرت^۲: آشفتگی سیاسی و خلأ قدرت در عراق به صورت تابعی از تهاجم نظامی ایالات متحده به این کشور در سال ۲۰۰۳ میلادی محسوب می‌شود. جورج بوش در مارس ۲۰۰۲ میلادی اعلام کرد عراق را مورد تهاجم نظامی قرار خواهد داد و در آوریل ۲۰۰۳ میلادی صدام حسین به دست ایالات متحده از قدرت ساقط شد. هرچند عراق و مردم این کشور از یوق یک رژیم استبدادی رها شدند، اما این کشور با چالش بزرگ تری مواجه شد و آن کشوری فاقد حکومت مرکزی مؤثر و کارآمد بود. ایالات متحده تلاش کرد تا دولتی دموکراتیک را در عراق مستقر کند، اما به دلایلی از جمله شکاف نژادی، فرقه‌ای، مذهبی و ... در کنار عدم آشنایی و قرابت عراقی‌ها با نهادهای دموکراتیک موفق به انجام این کار نشد (Bonsangue, 2017: 2-3). اعتقاد کلی بر این است که در حالی که ایالات متحده رژیم بعث را در عراق ساقط کرد در عوض یک حکومت ضعیف و ناکارآمد را در این کشور مستقر کرد. به علاوه، آمریکایی‌ها و عراقی‌ها هرگز نتوانستند به توافقات قابل توجهی در خصوص مدل حکمرانی مناسب در عراق برسند. ایالات متحده پیشنهاد یک دوره حمایتی را مطرح می‌کرد در حالی که عراقی‌ها خواستار سبک و سیاق خود در حکمرانی بودند. در نتیجه این آشفتگی سیاسی در عراق خلأ قدرت پدید آمد که موجب قدرت گرفتن گروه‌های شبه‌نظامی در این کشور از جمله داعش شد. ناکامی در ایجاد یک دولت دموکراتیک در عراق تنها دلیل برای سرزنش ایالات متحده محسوب نمی‌شود؛ زیرا سیاست‌های این کشور در عراق موجب چندپارگی حکومت شد که راه را برای گروه‌های تروریستی و شبه‌نظامی برای رسیدن به قدرت باز کرد. به علاوه، تهاجم این کشور به عراق موجب ایجاد یک حکومت شیعی در این کشور شد که این مسئله به رادیکال‌تر شدن گروه‌های سنی از جمله داعش منجر شد (Bonsangue, 2017: 2-4).

1. Political chaos.

2. Vacuum of power.

۲. دیکتاتوری در رژیم پیشین: چالش اصلی برای کشوری مانند عراق وجود یک نظام

بسته استبدادی برای سالیان طولانی در این کشور بوده است که موجب عدم نهادینه شدن دموکراسی و کنش‌های دموکراتیک در این کشور شده است (Gelfand, 2018). فقدان نهادهای دموکراتیک در کنار عدم تکثر قدرت در جامعه موجب شده است الگوی رقابت سیاسی در عراق مبتنی بر خشونت و مبارزه مسلحانه باشد. در وضعیت فقدان نهادهای اثرگذار قانونی و دموکراتیک این اسلحه و زور عریان است که حرف اول و آخر را می‌زند. درگیری جریان‌های سیاسی شیعی - سنی را بر همین مبنا می‌توان توضیح داد.

۳. آشفتگی سیاسی در سوریه و سرایت آن به عراق: با آغاز بهار عربی و سرایت آن

به سوریه در سال ۲۰۱۱ میلادی، این کشور دستخوش دوره‌ای از ناآرامی و جنگ داخلی شد. ناآرامی‌های سوریه که در ابتدا از یک اعتراض مدنی ساده در شهر درعا آغاز شد به تدریج فراگیر شده، از وضعیت مدنی خود خارج و منجر به تقابل مسلحانه گروه‌های تروریستی و دولت مرکزی از یکسو و بین خود گروه‌های تروریستی از سوی دیگر شد. جریان‌ها و گروه‌های افراط‌گرای مسلح در این کشور تقویت شده و توانستند به قدرت قابل توجهی دست یابند. گروه‌هایی؛ مانند «جبهه النصره»، «داعش»، «احرار الشام»، «انصار بیت‌المقدس» و ... از این فرصت استفاده کرده و به مبارزه مسلحانه پرداختند. مرز زمینی سوریه با عراق موجب اثرگذاری بر روند ظهور تروریسم در عراق شد. این اثرگذاری از طریق تردد تروریست‌های فرامنطقه‌ای بین دو کشور بوده است. گزارش‌ها حکایت از این دارد که حدود ۵,۰۰۰ تروریست اروپایی از سال ۲۰۱۱ میلادی وارد سرزمین‌های داعش شده‌اند. علاوه بر این، میزان تروریست‌های فرامنطقه‌ای در سازمان نظامی داعش حدود ۳۰,۰۰۰ نفر تخمین زده شده است (Reynolds & Hafez, 2019: 1-2). نواحی هم‌مرز با سوریه دارای بیشترین میزان خشونت‌ها و اثرگذاری بر روند ظهور تروریسم در عراق بوده‌اند. استان الانبار از سال ۲۰۱۱ میلادی به این سو محیط مناسبی برای رشد جریان‌های تروریستی بوده است. شهر قائمیه در عراق نزدیک شهر سوری ابوکمال است که تروریست‌ها بین این دو شهر تردد زیادی داشته‌اند. به علاوه، جاده‌ای که از ابوکمال وارد

عراق می‌شود و از طریق قائمیه به رمادی و فلوجه می‌رسد موجب تردد بالای تروریست‌ها بین این دو کشور شده است.

۴. چندپارگی اجتماعی - نژادی: الگوی کنش ایالات متحده در عراق مشابه الگوی رفتاری این کشور در ژاپن و آلمان پس از جنگ جهانی دوم است. بر این اساس ایالات متحده تلاش خود را پیرامون سرنگونی نظام مستقر و ایجاد دولتی دموکراتیک قرار داد. ایالات متحده توانست در آلمان و ژاپن از طریق کمک‌های مالی و چتر حمایت نظامی خود دولت‌های کارآمد و باثباتی را مستقر کند، اما این مدل دولت‌سازی در عراق به شکست انجامید. مهم‌ترین عاملی که موجب تمایز عراق از دو کشور نام‌برده می‌شود تنوع قومی - نژادی این کشور است. در حالی که ژاپن و آلمان دارای جمعیت نسبتاً همگنی از نظر نژادی زبانی بودند، اما عراق از یک ساختار متنوع قومی - نژادی برخوردار است. به عبارت دیگر، ملت‌سازی در دو کشور نام‌برده فرایندی نسبتاً آسان و در عراق فرایند دشواری بوده است (BELLIN, 2004: 597-598). علاوه بر این، تنوع قومی - نژادی ساختار اجتماعی در عراق مبتنی بر قبیله‌گرایی است. ممکن است قبایل هم‌نژاد و هم‌زبان با یکدیگر رقابت‌های غیرنژادی داشته باشند؛ مانند تقسیمات ارضی و سرزمینی. این شکاف‌های چندبعدی و پیچیده علاوه بر درگیری درون ساختاری در جامعه عراق موجب عدم توانایی در ملت‌سازی شده است. همین مسئله منجر به فعالیت راحت‌تر تروریست‌ها در عراق شده است. به‌نحوی که داعش با چالش هویتی از نمونه ملی‌گرایی در عراق مواجهه نبود.

۵. تنش‌های فرقه‌ای (درگیری شیعی - سنی): تنش‌های فرقه‌ای یکی از علل اصلی ظهور داعش در عراق محسوب می‌شود. هرچند تنش‌های نژادی - قومی میان کردها، اعراب و ترکمان‌ها در عراق در جریان دارد (Al-marashi, 2006: 31)، اما ظهور داعش بیش از اینکه تجلی تنش‌های قومی و نژادی باشد، نمایاننده تعارضات مذهبی و فرقه‌ای است. رقابت اصلی فرقه‌گرایی پس از سقوط صدام حسین در سال ۲۰۰۳ میلادی بین گروه‌های شیعی و جریان‌های سنی هسته مرکزی تحولات در عراق را شکل داده است. به‌رغم اینکه در سال‌های اخیر یک حس ناسیونالیستی بین اعراب برای تشکیل یک کشور ملی در عراق

ایجاد شده است، این حس هنوز به اندازه کافی برای برطرف کردن تعارضات فرقه‌ای و مذهبی کفایت نمی‌کند (Al-qarawee, 2014: 3-4). ظهور داعش نشان‌دهنده اثرگذاری عمیق فرقه‌گرایی بر تحولات سیاسی در عراق است.

دلایل فکری - روانی

علاوه بر دلایل فوق برای ظهور داعش در عراق، می‌توان به دلایل و انگیزه‌های روانی تروریست‌های داعشی در جذابیت عراق برای آنان نیز پرداخت. این دلایل به این اشاره دارند که تروریست‌ها را از میان کشورهای منطقه عراق (از نظر روانی و فکری) برای فعالیت و تقویت خود انتخاب کرده‌اند.

۱. **عراق با سابقه مرکزیت خلافت اسلامی:** عراق برای سالیان طولانی در دوران اقتدار تمدن اسلامی و در دوره امویان و عباسیان به‌عنوان مرکز خلافت اسلامی شناخته می‌شد. این مسئله برای یک گروه اسلام‌گرا که داعیه خلافت اسلامی را نیز دارد به منزله یک هویت بخشی به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، داعش از این رهگذر خود را وارث خلافت اسلامی در دوران گذشته می‌نامد. این گروه تروریستی حتی نام خود را به‌گونه‌ای انتخاب کرده است (دولت اسلامی عراق و شام) که نمایاننده‌ی این هویت باشد.

۲. **مبارزه با عدو القریب:** داعشی‌ها به میزان زیادی تحت تأثیر اندیشه‌های سید قطب قرار دارند. سید قطب در کتاب جوامع جاهلی در قرن بیستم دو نوع دشمن را برای دین اسلام ذکر می‌کند که عبارت‌اند از: عدو البعید (دشمن دور) شامل غربی‌ها و مسیحیان و عدو القریب (دشمن نزدیک) شامل مذاهب و فرقه‌های اسلامی. در حالی که القاعده راهبرد خود را براساس اولویت دادن به مبارزه با عدو البعید و غربی‌ها قرار داده بود، داعش محور فعالیت‌های خود را بر مبارزه با عدو القریب متمرکز کرده بود. از این رهگذر، عراق به‌عنوان یک کشور با اکثریت شیعه مورد توجه تروریست‌های داعشی قرار گرفت.

تشدید بحران

بحران داعش و تروریسم در عراق پس از ظهور این گروه تروریستی برای مدت‌زمانی طولانی ادامه یافت. داعش توانست پس از مدتی سرزمین‌هایی از خاک عراق را به تصرف خود درآورد و حملات خود را بر ضد دولت و نیروهای نظامی عراقی تشدید بخشد. سؤال اصلی در این مجال این است که چه عواملی موجب افزایش توانایی داعش برای تداوم فعالیت و تشدید حملات خود بر ضد دولت عراق شد؟ در ادامه پژوهش تلاش می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود.

۱. **اشغال سرزمینی:** یکی از دلایلی که موجب تداوم فعالیت و تشدید و تقویت بحران تروریسم داعشی در عراق شد توانایی این سازمان تروریستی در تصرف بخش‌هایی وسیع از خاک عراق بوده است. داعش در ژانویه ۲۰۱۴ میلادی موفق شد شهرهای الرمادی و فلوجه را به تصرف خود درآورد، اما بزرگ‌ترین دستاورد نظامی - عملیاتی این سازمان تروریستی تصرف موصل در استان نینوا در ژوئن ۲۰۱۴ میلادی بود. این حمله وسیع در طول شش روز از چهارم ژوئن آغاز شد و در دهم این ماه داعش توانست این شهر را به تصرف خود درآورد. یک روز پس از تصرف موصل، در ۱۱ ژوئن، داعش با تداوم حملات خود توانست شهر تکریت را نیز به تصرف خود درآورد. پیشروی داعش به سمت شهرهای کردنشین عراق از جمله سنجار نیز ادامه یافت و احساس نگرانی فزاینده‌ای مبنی بر سقوط بغداد ایجاد شد. ارتش عراق در ۱۲ ژوئن برای بازپس‌گیری موصل به استان نینوا انجام شد و توانست بخش زیادی از شهر تکریت را آزاد کند. داعش در ادامه پیشروی‌های خود در ۲۱ ژوئن توانست نوار مرزی بین عراق و سوریه را در منطق دیرالزور در سوریه تصرف کند و از این طریق بخش‌های این گروه تروریستی در عراق و سوریه به یکدیگر متصل شدند. در سوم ماه آگوست داعش توانست سد موصل را نیز به تصرف خود درآورد. به‌صورت کلی داعش در زمان اوج‌گیری خود حدود بیش از یک‌سوم از سرزمین‌های عراق را در اختیار داشت (Timeline: the Rise, Spread, and Fall of the Islamic State, 2018).
نقشه زیر نشان‌دهنده مناطق تحت کنترل داعش در عراق است.



نقشه ۱- سرزمین‌های اشغال‌شده توسط داعش در عراق

داعش با تصرف مناطق وسیعی از عراق توانست ضمن تحکیم جایگاه خود در این کشور به تقویت توان نظامی-عملیاتی خود بپردازد. به‌علاوه، در اختیار داشتن این مناطق که در مجاورت مرزهای سوریه بود موجب شد که نیروهای داعش از توانایی جابجایی بیشتری نسبت به گذشته برخوردار باشند و امکانات لجستیکی نیز با سهولت بیشتری انتقال یابد. این مؤلفه‌ها موجب افزایش توان عملیاتی - نظامی داعش در عراق شد.

۲. افزایش توان عضوگیری داعش: یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت و توان هر سازمانی نیروی انسانی است. این مسئله به‌ویژه در مورد گروه‌های نظامی و شبه‌نظامی معارض با نظام سیاسی از اهمیت بیشتری برخوردار است. با در اختیار داشتن نیروی انسانی کارآمد و کافی گروه‌های تروریستی و شبه‌نظامی قادر هستند اهداف خود را با سهولت بیشتری پیش ببرند. یکی از دلایل افزایش ظرفیت عملیاتی - نظامی داعش در عراق نیز افزایش توان عضوگیری این گروه بود که توانست برای مدتی فعالیت آنان را در عراق تداوم بخشد و تشدید کند. بسیاری از افرادی که به داعش پیوستند از مهارت کافی در شناسایی ارتش عراق و جریان‌ات سیاسی این کشور برخوردار بودند و همین مسئله موجب افزایش توان عملیاتی این گروه تروریستی شد. بعضی‌های به حاشیه رانده‌شده در دولت نوری مالکی یکی از اصلی‌ترین گروه‌هایی بودند که ضمن پیوستن به داعش نقش مهمی در تقویت آن ایفا نمودند (Giesbers, 2015). عدنان اسماعیل نجم البیلاوی الدیلمی یکی از این افراد بود که به داعش پیوست. وی از سال ۱۹۹۳ تا زمان سقوط رژیم بعث، یعنی سال ۲۰۰۳ میلادی، عضو حزب بعث و یکی از افسران ارتش عراق بود. پس از سقوط صدام وی از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ میلادی به عضویت القاعده درآمد و در سال ۲۰۱۳ میلادی نیز به داعش پیوست. وی ضمن آشنایی با ساختار و سازمان ارتش عراق از توان شناسایی نقاط ضعف و ژئوپلیتیکی عراق نیز برخوردار بود (Hubbard & Schmitt, 2014). در اهمیت نقش این نیروها کافی است اشاره شود که وی فرمانده بزرگ‌ترین عملیات نظامی داعش و فتح موصل بود.

۳. به دست آوردن منابع مالی جدید و افزایش ظرفیت اقتصادی: داعش پس از اشغال مناطق وسیعی از عراق توانست به منابع مالی جدیدی نیز دست پیدا کند. غارت میلیون‌ها دلار از دارایی‌های بانک موصل توانست وضعیت اقتصادی این گروه را به میزان زیادی ارتقا دهد. علاوه بر این، تسلط آن‌ها بر منابع نفتی در عراق و درآمدهای حاصل از فروش و قاچاق نفت در کنار قاچاق آثار باستانی و اخاذی از طریق گروگان‌گیری و باج‌خواهی توانست منابع لازم را برای تداوم سیطره و فعالیت داعش در عراق فراهم کند و توان عملیاتی - نظامی آنان را نیز تقویت نماید (الماسی، ۱۳۹۸: ۲۴۱-۲۴۰).

مدیریت بحران و کاهش

پس از ظهور تروریسم و داعش در عراق، شاهد یک تداوم و تقویت بحران بوده‌ایم؛ اما در نهایت این گروه تروریستی موسوم به دولت اسلامی عراق و شام نتوانست به آرمان ایدئولوژیک خود دست یافته و ضمن ساقط کردن نظام سیاسی در عراق خلافت خود خوانده را نیز حفظ کند. دولت عراق برای مقابله با این بحران دست به اقدامات متعددی زد و سرانجام توانست ضمن بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغال‌شده توسط داعش و اعاده حاکمیت خود بر این مناطق، به حیات دولت اسلامی عراق و شام خاتمه دهد. سؤال مهمی که در این بین مطرح می‌شود، این است که دولت عراق برای مقابله با داعش چه اقداماتی را در دستور کار خود قرار داد و کدام عامل بیشترین تأثیر را در کاهش بحران داشته است. در این بخش به تبیین عوامل مؤثر بر کاهش بحران پرداخته می‌شود.

۱. نقش شخصیت‌های برجسته مذهبی در بسیج عمومی: با تشدید، اوج‌گیری و افزایش تهدید داعش شخصیت‌های برجسته مذهبی عراق بر ضد این گروه تروریستی موضع گرفتند و خواهان مسلح شدن مردم برای جهاد با آن‌ها شدند. سه روز پس از سقوط موصل، در ۱۳ ژوئن ۲۰۱۴ میلادی، آیت‌الله سیستانی روحانی برجسته شیعی در عراق خواستار مسلح شدن مردم و توده‌ها برای مقابله با تهدید داعش شد. نفوذ مرجعیت دینی و افزایش هراس از تهدیدات داعش موجب شد که گروه‌های زیادی به‌ویژه در شرق و جنوب عراق اسلحه به دست گرفته و بر ضد داعش وارد عمل شوند (Iraq conflict: Shia cleric Sistani issues call to arms, 2014). این فتوا موجب تشکیل گروه‌های نظامی جدیدی شد که در کنار ارتش عراق حملات خود را بر ضد داعش به‌صورت گسترده و سریع انجام دادند. عملکرد این گروه‌ها در تضعیف داعش بسیار مؤثر بوده است.

۲. ایران و گروه‌های شبه‌نظامی شیعی: پیش از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ میلادی گروه‌ها و شخصیت‌های مخالف وی که به‌طور عمده شیعی‌مذهب بودند ایران را به‌عنوان پناهگاهی امن برای خود در نظر می‌گرفتند. پس از سقوط رژیم بعث ایران توانست جریان‌های شیعی را سازمان‌دهی کند و به مسلح کردن آن‌ها پردازد. با ظهور داعش و

پیروزی‌های بزرگ و برق‌آسای این گروه تروریستی در کنار عضوگیری از سراسر جهان احساس نگرانی فزاینده‌ای در ایران در رابطه با داعش ایجاد شد؛ بنابراین، ایران به‌صورت گسترده به مداخله در عراق پرداخت. عمده راهبرد ایران در این زمینه تقویت و حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی نزدیک به خود بود. شاخه نظامی شورای انقلاب اسلامی عراق که بعدها به شورای اسلامی عراق تغییر نام داد یکی از این گروه‌ها بود. این شاخه نظامی که به گروه بدر شناخته می‌شود توانست در طول دوران مبارزه بر ضد داعش نقش مؤثری ایفا کند. شاخه نظامی حزب الدعوه نیز از دیگر گروه‌های شبه‌نظامی شیعی بود که بر ضد داعش مبارزه می‌کرد. گروه‌های دیگری مانند عصائب اهل حق، کتائب سیدالشهدا و ... نیز از دیگر گروه‌های شیعی نزدیک به ایران بودند که در عملیات بر ضد داعش فعال بودند. به‌علاوه در این مداخله برای حفظ دولت عراق و مبارزه با تروریسم دهشتناک داعشی نقش ژنرال ایرانی قاسم سلیمانی، فرمانده شاخه قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مشاوره، هدایت و رهبری گروه‌های شبه‌نظامی شیعی و سازمان‌دهی آن‌ها بسیار مهم بوده است. وی همچنین به ارتش عراق مشاوره‌های بسیار مؤثری را ارائه می‌نمود (Arif, 2019: 1-2). تهاجم گسترده گروه‌های شبه‌نظامی شیعی بر ضد داعش موجب تحلیل قوای نظامی آن‌ها شده و موجب از دست رفتن سرزمین‌های اشغال‌شده شد.

۳. عملیات بین‌المللی: در اواسط سال ۲۰۱۴ میلادی و به درخواست دولت عراق ائتلاف بین‌المللی به رهبری ایالات متحده بر ضد داعش وارد عمل شد و طی یک رشته عملیات‌های وسیع هوایی اهداف و مواضع داعش در عراق را مورد حمله قرار داد (Garamone, 2014). به‌علاوه، ایالات متحده حمایت‌های مشاوره‌ای، تسلیحاتی، لجستیکی و آموزشی خود را به نیروهای عراقی ارائه داد. این اقدامات موجب تضعیف داعش و تقویت نیروهای مبارزه‌کننده با داعش شد. به دنبال این حملات روسیه نیز حملات خود را در مقیاس کوچک‌تری نسبت به ائتلاف روی داعش متمرکز کرد. مجموعه این عملیات‌های بین‌المللی موجب کشته شدن هزاران تن از نیروهای داعش، خسارات مالی و زیرساختی زیاد و تضعیف فزاینده این گروه تروریستی شد. ضعف داعش و تقویت

نیروهای عراقی موجب شد عراقی‌ها بتوانند موصل را از کنترل داعش آزاد کنند و در نتیجه دوران سیطره داعش بر مناطق وسیعی از عراق پایان یافت (Lister, 2014; Patel, 2015; Tesón, 2016).

۴. عملیات نظامی ارتش عراق: ارتش عراق با سقوط موصل و پیشروی‌های سریع داعش به مناطق مورد مناقشه، اعزام و با حمایت‌های ائتلاف بین‌المللی به رهبری ایالات متحده و نقش گروه‌های شیعی در مبارزه با داعش توانست ضربات اساسی بر قدرت داعش وارد کند. پس از سقوط تکریت، ارتش عراق با حمله به مواضع داعش توانست بخشی عمده این شهر را از دست تروریست‌های داعش آزاد کند. نقش نیروهای کرد در تضعیف داعش نیز بسیار برجسته بوده است. در ۱۶ آگوست ۲۰۱۴ میلادی پهپادها و جنگنده‌های ایالات متحده در همکاری نزدیکی با نیروهای کرد مواضع داعش را هدف قرار داد. بلافاصله پس از هدف قرار گرفتن مواضع داعش، نیروهای کرد به سد موصل حمله کرده و این سد را آزاد کردند (Sisk, 2014). ارتش عراق همچنین با حمایت‌های ایران و ایالات متحده حملات سنگینی بر ضد داعش انجام داد که بزرگ‌ترین آن عملیات مربوط به آزادسازی موصل بود. این نبرد به اندازه‌ای مهم و تعیین‌کننده بود که از آن به مادر جنگ‌ها تعبیر شده است (Hughes, 2017). در این نبرد نیروهای پیشمرگه کرد، نیروهای مردمی موسوم به حشدالشعبی و حمایت‌های ائتلاف ارتش عراق را یاری نمود. ارتش عراق همچنین عملیات‌های نظامی دیگری بر ضد داعش انجام داد که منجر به تضعیف بیش‌ازپیش این گروه تروریستی شد (CHAPPELL, 2017).

۵. انسداد منابع تأمین مالی تروریسم: یکی از دلایل افزایش قدرت داعش، توانایی تأمین مالی این گروه بود که با دسترسی به منابع نفتی، بانک‌های عراق، سایت‌های تاریخی و قاچاق عتیقه و ... تقویت شد. یکی از مهم‌ترین اقدامات در راستای قطع تأمین مالی داعش و القاعده در عراق قطعنامه ۲۱۷۰ شورای امنیت در تاریخ ۱۵ آگوست ۲۰۱۴ میلادی بود که براساس آن تلاش شد تا افراد و اشخاصی که مرتبط با داعش هستند در لیست تحریم‌های این شورا قرار گیرند. به علاوه، در بند ۱ این قطعنامه تأکید شده است که هدف

اصلی انسداد شریان‌های مالی و اقتصادی گروه‌های افراطی از جمله داعش و القاعده است
Security Council Adopts Resolution 2170 (2014) Condemning Gross, Widespread “
(Abuse of Human Rights by Extremist Groups in Iraq, Syria,” 2014

پیامد بحران

۱. **سیاسی و اجتماعی:** هرچند در دوران مبارزه با تروریسم در عراق گروه‌ها و جریان‌های سیاسی با یک اتحاد و همبستگی به مقابله با تروریسم برخاستند، اما در عرصه سیاسی پس از سقوط داعش این گروه‌ها و جریان‌های سیاسی نتوانسته‌اند به یک وحدت نظر و رویه برسند. البته این مسئله را نمی‌توان یکی از پیامدهای تروریسم در عراق دانست؛ زیرا در دوران پیش از داعش نیز عراق از این پدیده رنج می‌برد؛ اما مهم‌ترین پیامد سیاسی ظهور داعش در عراق قدرت‌یابی گروه‌ها و جریانات شبه‌نظامی شیعی بود که در دوران اشغال سرزمین‌های عراق توسط داعش به صورت رسمی بر ضد این گروه در کنار نیروهای رسمی مسلح عراق وارد عمل شدند (صالحی و مرادی نیاز، ۱۳۹۴: ۱۲۱-۱۱۸). از نظر اجتماعی نیز مهاجرت پناهجویان به صورت گسترده از پیامدهای ظهور داعش بوده است.

۲. **پیامدهای اقتصادی:** اقتصاد عراق در طول دوره فعالیت تروریست‌ها به‌ویژه داعش لطمات زیادی دیده است. جدا از هزینه‌ها و خسارت‌ها، از آنجایی که اقتصاد عراق اقتصادی نفت‌محور و تک‌محصولی است بخش عظیمی از درآمدهای این کشور ناشی از تولید و فروش نفت است. نوسان در عرضه یا تولید نفت به شدت اقتصاد این کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حضور تروریسم در عراق موجب شد که تولید نفت عراق به میزان ۳۲۰ هزار بشکه در روز کاهش یابد. علاوه بر نفت، توریسم به‌عنوان یکی دیگر منابع درآمدی عراق به شدت در دوران فعالیت داعش و حتی پس از آن کاهش یافت که این امر نیز ضربه‌های سختی به اقتصاد عراق وارد کرد (Why we need to measure the economic impact of terrorism in the Middle East,” 2018

۳. **تخریب سایت‌های تاریخی و میراث فرهنگی:** تروریسم نه تنها آسیب‌های فیزیکی زیادی را نصیب جامعه و کشور عراق نمود، بلکه در حوزه فرهنگ و آثار تاریخی نیز موجب خسارت‌های فراوانی به این کشور شد. سایت‌های متعدد تاریخی و باستانی در طول دوران فعالیت داعش توسط این گروه مورد غارت یا تخریب قرار گرفته است. علت اصلی این تخریب تأمین منابع مالی برای بقای دولت اسلامی بوده است. برخی گزارش‌ها حاکی از تحت کنترل بودن حدود ده هزار سایت تاریخی و باستانی توسط داعش است که مورد غارت قرار گرفته‌اند. این در حالی است که چه‌بسا تعداد بیشتری نیز وجود داشته‌اند که هنوز مشخص نشده‌اند و اطلاعاتی از آن‌ها در دست نیست (Osborn, 2015; “Why we need to measure the economic impact of terrorism in the Middle East,” 2018).

نتیجه‌گیری

بحران ظهور تروریسم و داعش در عراق یکی از چالش‌های اساسی این کشور، منطقه خاورمیانه و جهان در چند سال اخیر بوده است. تبیین چرایی ظهور و چگونگی تداوم و تشدید و همچنین کاهش و پیامدهای تروریسم یکی از کارهای اساسی است که برای اتخاذ سیاست‌های مناسب در راستای جلوگیری از ظهور مجدد داعش در عراق یا سایر مناطق خاورمیانه می‌بایست صورت پذیرد. در این پژوهش این بحران در چهار مرحله ایجاد، تداوم و تشدید، کاهش و سکون و پیامدها مورد بررسی قرار گرفت. در مرحله ایجاد بحران عمده عوامل مؤثر عوامل سیاسی و اجتماعی در کنار مبانی اندیشه‌ای و هستی‌شناختی افراط‌گرایی بوده است. توانایی مالی داعش، توانایی در تصرف اراضی وسیعی از خاک عراق در کنار توان بالای عضوگیری این گروه از سراسر جهان از جمله دلایل تداوم و تشدید بحران بوده است. اقدامات بین‌المللی و دولت عراق در زمینه نظامی‌گری و تهاجم بر ضد این گروه تروریستی در کنار انسداد شریان‌های اقتصادی این گروه موجب کاهش توان این کشور و افول آن شده است. این بحران پیامدهای متعددی از جمله تقویت حضور گروه‌های شبه‌نظامی شیعی در سپهر سیاسی عراق، مهاجرت

پناهجویان و آسیب‌های اقتصادی و فرهنگی - تاریخی برای عراق در برداشته است. از سوی دیگر، براساس انواع بحران مورد اشاره مایکل برچر، این بحران از نوع بحران‌های شکل گرفته در شرایط غیرجنگی تشدید شده به شرایط جنگی است. برای حل مسئله تروریسم در مرحله ایجاد یا ظهور به نظر می‌رسد برقراری نوعی عدالت در توزیع ارزش تا حدود زیادی بتواند زمینه‌های بروز پدیده تروریسم را کاهش دهد. در مرحله تداوم تشدید به نظر می‌رسد پردازش تقاضای گروه‌های ناراضی و مشارکت آنان در فرایند سیاست‌گذاری بتواند چالش‌های موجود را حل کند. در مرحله سوم و چهارم استمرار فعالیت‌های مرتبط با حل منازعه و صلح‌سازی پیشنهاد می‌گردد.

جدول ۱- مراحل چهارگانه بحران داعش در عراق؛ دلایل و عوامل

پیامد	کاهش بحران	تداوم و تشدید	آغاز بحران	دلایل
سیاسی و اجتماعی	نقش شخصیت‌های برجسته مذهبی در بسیج عمومی	تصرف سرزمینی	آشفتگی سیاسی و خلأ قدرت	
پیامدهای اقتصادی		افزایش توان عضوگیری	دیکتاتوری در رژیم پیشین	
پیامدهای اقتصادی	ایران و گروه‌های شبه نظامی شیعی	دست‌یابی به منابع مالی جدید و فراوان برای تأمین مالی	آشفتگی سیاسی در سوریه و سرایت آن به عراق	
	عملیات بین‌المللی		چند پارگی اجتماعی - نژادی	
عملیات‌های نظامی ارتش عراق	سابقه‌های فرقه‌ای (درگیری شیعی - سنی)			
تخریب سایت‌های تاریخی و میراث فرهنگی	انسداد منابع تأمین مالی تروریسم		عراق سابقه خلافت اسلامی در مبارزه با عدوالقرب	

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- الماسی، م (۱۳۹۸)، رساله دکترا: دلایل ظهور و گسترش تروریسم در جوامع در حال دموکراسی در خاورمیانه، دانشگاه اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- رهامی، م و علی نژاد، آ (۱۳۹۰)، ریشه‌های ایدئولوژیک تروریسم، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۴۱(۳)، ۱۵۱-۱۳۱.
- صالحی، س و مرادی نیاز، ف (۱۳۹۴)، پیامدهای ظهور داعش بر ژئوپلیتیک خاورمیانه، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام.

ب. منابع انگلیسی

- Al-marashi, I. (2006). The Dynamics of Iraq's Media: Ethno-Sectarian Violence, Political Islam, Public Advocacy and Globalization. *CPS (INTERNATIONAL POLICY FELLOWSHIP PROGRAM)*, 60.
- Al-qarawee, H. H. (2014). IRAQ ' S SECTARIAN CRISIS. *Carnegie Middle East Center*, (April).
- Arif, B. H. (2019). IRAN'S STRUGGLE FOR STRATEGIC DOMINANCE IN A POST-ISIS IRAQ. *Asian Affairs*, 50(3), 344-363. <https://doi.org/10.1080/03068374.2019.1636525>
- BELLIN, E. (2004). The Iraqi Intervention and Democracy in Comparative Historical Perspective. *Political Science Quarterly*, 119(4), 595-608. <https://doi.org/10.1002/j.1538-165X.2004.tb00531.x>
- Bonsangue, T. (2017). *Understanding the Complex Underlying Causes of the Rise of ISIS in Iraq and Syria*. Long Island University.
- CHAPPELL, B. (2017). Mosul Has Been Liberated From ISIS Control, Iraq's Prime Minister Says. *NPR*.
- Garamone, J. (2014). DoD Authorizes War on Terror Award for Inherent Resolve Ops. *U.S Department of Defense*. Retrieved from <http://www.defense.gov/News-Article-View/Article/603569>
- Gelfand, M. J. (2018). A surprising reason for the rise of ISIS. *CNN*. Retrieved from <https://edition.cnn.com/2018/07/26/opinions/rise-of-isis-authoritarian-personality-gelfand/index.html>
- Giesbers, A. (2015). *Ba ' athism: the hidden hand behind ISIS?* Utrecht University.
- Hubbard, B., & Schmitt, E. (2014). Military Skill and Terrorist Technique Fuel Success of ISIS. *New Yourk Times*.
- Hughes, C. (2017). ISIS under devastating attack as "mother of all battles" begins in Mosul. *The Mirror*.
- Iraq conflict: Shia cleric Sistani issues call to arms. (2014). *BBC*. Retrieved from <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-27834462>

- Lister, C. (2014). Profiling the Islamic State. *Brookings Doha Center Analysis Paper*.
- Osborn, A. (2015). Islamic State looting Syrian, Iraqi sites on industrial scale - UNESCO. Retrieved from <https://uk.reuters.com/article/uk-mideast-crisis-unesco/islamic-state-looting-syrian-iraqi-sites-on-industrial-scale-unesco-idUKKCN0PC1OS20150702>
- Patel, D. S. (2015). ISIS in Iraq: What we get wrong and why 2015 is not 2007 redux. *Middle East Brief*.
- Reynolds, S. C., & Hafez, M. M. (2017). Social Network Analysis of German Foreign Fighters in Syria and Iraq. *Terrorism and Political Violence*, 31(4), 661–686. <https://doi.org/10.1080/09546553.2016.1272456>
- Security Council Adopts Resolution 2170 (2014) Condemning Gross, Widespread Abuse of Human Rights by Extremist Groups in Iraq, Syria. (2014). *Security Council*.
- Sisk, R. (2014). US Operation Against ISIL in Iraq Remains Nameless. *Military.Com*.
- Tesón, F. (2016). The Case for Armed Intervention against the Islamic State of Iraq and Syria. *Independent Review*.
- Timeline: the Rise, Spread, and Fall of the Islamic State. (2018).
- Why we need to measure the economic impact of terrorism in the Middle East. (2018). *World Economic Forum*. Retrieved from <https://www.weforum.org/agenda/2018/10/why-we-need-to-measure-the-economic-impact-of-terrorism-in-the-middle-east/>

